



Iranian Scientific Association
of Public Administration



University of
Sistan and Baluchestan

Community-Based Development: Analysis of the Elements Affecting the Implementation of Community-Based Implementation of Policies

Abdol Majid Imani¹ | Farahnaz Ahang²

1. Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran, E-mail: imani@mgmt.usb.ac.ir
2. Ph.D. in Human Resource Management, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding author), E-mail: ahang1989@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 11 May 2021

Accepted: 25 July 2021

Keywords:

Policy, Community-based development, Content analysis

For more than a century, the Iranian people have been determined to break out of backwardness and achieve progress and development. During this period, although the Iranian government, elites and educated people have tested different approaches of growth and development, and specifically the patterns of authoritarian development and the surrounding center, the country has not achieved a balanced and sustainable development; Because the implemented development models have been incomplete, unstructured, and lacked the participation and planning of the people. It should be said that social participation is one of the basic pillars of development that should be considered. Therefore, the present study tries to examine the elements affecting the community-based implementation of policies as one of the basic strategies of community-based development. This research is of qualitative type and the governing philosophy is interpretive, which was conducted using thematic analysis. For this purpose, coding technique and NVivo 12 software were used. The statistical population of the study also includes experts in the field of policy making who were selected using purposive sampling method. Finally, the research findings indicate that after the coding process, 17 interpretive codes were obtained, which were organized in three stages: drivers, capacitors and enablers.

Cite this article: Imani, A, Ahang, F. (2021). Community-Based Development: Analysis of the Elements Affecting the Implementation of Community-Based Implementation of Policies. *Governance and Development Journal*, 1 (3), 169-190.



Publisher: Iranian Scientific Association of Public Administration & University of Sistan and Baluchestan



دانشگاه علوم و معارف
انسانی

حکمرانی و توسعه

شماره ۳۴۶۱-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



مدیریت تحصیلات
انسانی

توسعه اجتماع محور: واکاوی عناصر مؤثر بر اجرای اجتماع محور خط‌مشی‌ها

عبدالمجید ایمانی^۱ | فرحناز آهنگ^۲ |

۱. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، رایانامه: imani@mgmt.usb.ac.ir

۲. دکترای مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: ahang1989@yahoo.com

چکیده

مردم ایران بیش از یک قرن است که اراده خروج از عقب‌ماندگی و نیل به پیشرفت و توسعه دارند. در این مدت هر چند دولت، نخبگان و تحصیل‌کردگان ایرانی رویکردهای مختلف رشد و توسعه و به‌طور مشخص الگوهای توسعه آمرانه و مرکز پیرامون را به آزمون گرفته‌اند، اما کشور به یک توسعه موزون و پایدار نرسیده است؛ زیرا مدل‌های توسعه اجرا شده ناقص، تک‌ساختی و فاقد مشارکت و نقش‌آفرینی مردم بوده است. باید گفت مشارکت اجتماعی یکی از ارکان اساسی توسعه می‌باشد که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. از این رو، پژوهش حاضر سعی دارد تا به بررسی عناصر مؤثر بر اجرای اجتماع‌محور خط‌مشی‌ها به‌عنوان یکی از راهبردهای اساسی توسعه اجتماع‌محور بپردازد. این پژوهش از نوع کیفی و فلسفه حاکم بر آن تفسیری می‌باشد، که با استفاده از تحلیل مضمون انجام گرفت. بدین منظور از تکنیک کدگذاری و نرم‌افزار NVivo 12 استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش نیز شامل خبرگان حوزه خط‌مشی‌گذاری می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در نهایت یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پس از طی فرایند کدگذاری، ۱۷ کد تفسیری به‌دست آمد که در سه مرحله پیش‌ران‌ها، ظرفیت‌سازها و توانمندسازها سازماندهی شدند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

واژه‌های کلیدی:

خط‌مشی،

توسعه اجتماع‌محور،

تحلیل مضمون

استناد: ایمانی، عبدالمجید؛ آهنگ، فرحناز، (۱۴۰۰). توسعه اجتماع‌محور: واکاوی عناصر مؤثر بر اجرای اجتماع‌محور خط‌مشی‌ها. حکمرانی و توسعه،

۱ (۳)، ۱۶۹-۱۹۰.

ناشر: انجمن علمی مدیریت دولتی ایران و دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

سابقه طولانی در زمینه مطالعه اتخاذ خطامشی توسط دولت‌ها وجود دارد. لغت‌نامه آکسفورد^۱ خطامشی را این‌چنین تعریف می‌کند: «یک راهکار که به‌وسیله حکومت، حزب، کسب‌وکار یا فرد، پذیرفته یا پیشنهاد شده است». در فرهنگ فارسی معین نیز خطامشی مسیر و راهی که انسان پیش‌رو دارد، تعریف شده است. خطامشی، یک برنامه عمومی و مشخص‌کننده محدوده‌ای است که تصمیمات آتی باید در داخل آن گرفته شوند (صفیان و همکاران، ۱۳۹۸). جمیز اندرسون^۲ (۱۹۸۴) تعریف جامع‌تری از خطامشی ارائه می‌دهد و خطامشی را مجموعه اقدامات هدف‌داری توصیف می‌کند که به‌وسیله یک یا مجموعه‌ای از بازیگران برای برخورد با مشکل یا مسأله مورد توجه، در نظر گرفته شده است. از نظر توماس دای^۳ خطامشی عمومی، هر آن چیزی است که دولت انتخاب می‌کند که انجام دهد یا ندهد (دای، ۲۰۱۳). نظام خطامشی‌گذاری عمومی به‌عنوان یک فرایند اعم از سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، فعالیت‌های اجرایی، نظارتی و نیز ساختار و الزامات آن، در پی تدوین و اجرای و ارزیابی خطامشی‌ها به‌عنوان راهکارهایی برای حل مسائل عمومی کشور است (هاولت^۴، ۲۰۰۶)، که مهم‌ترین مرحله در آن مرحله اجراست. این مرحله در بین سه مرحله تدوین، اجرا و ارزیابی از بالاترین میزان اهمیت برخوردار است؛ زیرا هدف خطامشی‌گذاران را نمود می‌بخشد و باعث قوام آن می‌گردد. مرحله اجرا به دلیل اهمیتی که دارد آزمونی برای صحت و دقت مرحله تدوین و شکل‌گیری خطامشی است (قربانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). اجرای خطامشی شامل ترجمه تصمیمات سیاسی به اقدامات است، که اغلب توسط اساسنامه پشتیبانی می‌شوند. یکی از مباحث مهم اجرا توجه به رویکردها و ابزارهای اجراست. دو رویکرد مطرح در ادبیات روز اجرای خطامشی رویکرد بالا به پایین و رویکرد پایین به بالاست، که از دل این رویکردها، رویکردهای جدید دیگری از جمله رویکرد ترکیبی به‌وجود آمده است. دو رویکرد مذکور از حیث راهبرد پژوهشی، هدف تحلیل، مدل فرایند خطامشی، ویژگی فرایند اجرا و مدل زیربنای دموکراسی با هم متفاوت‌اند. در مدل زیربنای دموکراسی در رویکرد بالا به پایین به نقش خبرگان در اجرا و در رویکرد پایین به بالا به نقش مشارکتی در اجرا توجه می‌شود. در رویکرد ترکیبی، تحلیل‌گران عناصر هر دو رویکرد را برای اجتناب از ضعف مفهومی

1. Axford

2. James Anderson

3. Thomas Dye

4. Howlett

آن‌ها با هم ترکیب کردند. در این رویکرد، خطمشی‌گذاران می‌بایست کار خود را با رویکرد از بالا به پایین شروع نموده؛ ولی ساختار انگیزشی مجریان و گروه‌های هدف را هم در نظر بگیرند. در زمینه ابزارهای اجرای خطمشی در دسته‌بندی‌های مختلف به ابزارهای دولتی، قانونی- نظارتی، بازارمحور، ترکیبی و ابزارهای داوطلبانه و مشارکتی اشاره شده است، که در ابزارهای داوطلبانه می‌توان به نقش نهادهای مدنی، خانواده و جامعه در اجرا اشاره نمود. ویژگی این نوع ابزار این است که دولت در آن‌ها دخالتی ندارد و اگر در این مسیر کاری انجام می‌دهند به دلایلی نظیر نفع فردی، ملاحظات اخلاقی و احساسات فردی و گروهی است (منوریان، ۱۳۹۶). توجه به این نوع ابزار اجرای خطمشی اهمیت اساسی دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶). تلاش‌های ناظر بر اجرای خطمشی یا برنامه‌ها با هدف توانمندسازی افراد یا گروه‌های خاص اجتماعی، نمونه‌ای بسیار عالی است که نشان می‌دهد چگونه اجرای خطمشی می‌تواند به تغییر روابط اجتماعی منجر گردد. به همین ترتیب، تغییرات حاصل در روابط اجتماعی به تغییرات دیگری در بخش‌ها مختلف منجر خواهد شد (منوریان، ۱۳۹۶). بروز و ظهور تنگناها و مشکلات تمرکزگرایی در طراحی و اجرای برنامه‌های مربوط به اداره امور عمومی موجب شده که از چند دهه قبل، دولت‌مردان و سیاست‌گذاران، رویکرد مشارکت‌جویانه‌ای را در پیش گیرند (بابایی و صفایی آتشگاه، ۱۳۹۳). استفاده از کنش‌های اجتماعی در توسعه جوامع به‌ویژه برنامه‌های دولتی در نظریات منتقدان اندیشمندانی چون ماکس وبر^۱، کارل مارکس^۲، زیگموند فروید^۳، مارکس هورکهایمر^۴، تتودور آدرنو^۵، هربرت مارکوزه^۶، و حتی پیش از آن‌ها و بسیاری از جامعه‌شناسان و اندیشمندان معروف چون آنتونی گیدنز^۷، میشل فوکو^۸ و یورگن هابرماس^۹ نیز مورد مورد توجه قرار گرفته است. با تمرکز بر سیر تغییر پارادایم‌های مدیریت دولتی تمرکز بیشتر بر نقش مشارکت عمومی و اجتماعی نمود می‌یابد. در پارادایم دولت رفاه همه امور به دست دولت انجام می‌گرفت. در پارادایم مدیریت دولتی نوین به بخش خصوصی و سازوکار بازار توجه شد.

1. Max Weber

2. Karl Marx

3. Sigmund Freud

4. Max Horkheimer

5. Theodor W. Adorno

6. Herbert Marcuse

7. Anthony Giddens

8. Michel Foucault

9. Jürgen Habermas

در پارادایم بازآفرینی دولت پس از پارادایم مدیریت دولتی نوین، نظریه‌پردازان با اصرار بر نارسایی دولت دیوان‌سالار، عقیده داشتند که نظریه‌های دیوان‌سالاری با تمام ویژگی‌هایش برای زمان خود مفید بوده و در شرایط کنونی کارآمد نیست (پولیت^۱، ۲۰۰۰). در این پارادایم، اعتقاد بر این است که دولت باید برای پاسخگویی به شهروندان به دولتی شتاب‌دهنده، پاسخگو و غیرمتمرکز تبدیل شود. دولتی که در اداره امور خود را از شکل سلسله‌مراتبی و دیوان‌سالاری خارج کند و به نوعی دولت انعطاف‌پذیر روی آورد. در اصول این پارادایم می‌توان به دولت راهگشا، دولت توان‌افزا (کولدوف^۲، ۲۰۰۷) و دولت پیشگیر، اشاره نمود. با تأمل در این اصول می‌توان به پررنگ‌تر شدن نقش مشارکت عمومی در اداره جامعه پی‌برد. در ادامه، با ظهور پارادایم حکمرانی خوب نیز در اداره امور به مشارکت عمومی و مشارکت اجتماعی در قالب بعد جامعه مدنی در کنار دو بعد دولت و بخش خصوصی توجه اساسی شد و حکمرانی خوب را زمانی می‌توان محقق دانست که این بخش در کنار دولت به ایفای نقش بپردازد. در حکمرانی خوب بر تسهیم اقتدار مدیریت دولتی میان دولت و سازمان‌های غیردولتی تأکید می‌شود؛ به‌گونه‌ای که بازیگران دولتی و غیردولتی نه جداگانه، بلکه با همکاری به حل مشکلات اجتماعی می‌پردازند. این دیدگاه به جای تمرکز صرف بر نهادهای دولتی، این نهادها را در همکاری چندجانبه با نهادهای غیردولتی تلقی می‌کند (کویمن^۳، ۲۰۰۳). ایجاد پیوند کارکردی میان نهادهای اجتماع‌محور و نهادهای رسمی و ایجاد محیطی توانمند از طریق اصلاح سیاسی و نهادی که اغلب از طریق تمرکز صورت می‌گیرد، و ارتقای چارچوب قانونی منظم برای بهره‌مندی از قابلیت‌های بخش خصوصی، از زمینه‌های اندیشه کلیدی در رویکرد اجتماع‌محور است. الگوهای مبتنی بر رویکرد اجتماع‌محور سابقه‌ای طولانی در موضوعات اجتماعی داشته و در طی زمان بلندی که از پیدایش آن می‌گذرد، همواره با توجه به شرایط زمانی و مکانی به‌کارگیری آن دستخوش تحولات و تغییرات زیادی هم‌گشته است. البته در چند دهه اخیر این الگوها مخاطبان گسترده و مختلفی پیدا کرده و از آنجا که سازمان‌های بین‌المللی قدرتمندی چون بانک جهانی از پروژه‌های مبتنی بر این الگو حمایت‌های جدی‌تری به‌عمل آورده‌اند، مؤسسات و نهادهای به‌کارگیرنده رویکرد مذکور هر روز

1. Pollitt

2. Kolthoff

3. Kooiman

بیشتر ارتقاء می‌یابد (یوسفی سادات، ۱۳۹۳). از این رو، پژوهش حاضر سعی دارد تا به واکاوی عناصر مؤثر بر اجرای اجتماع‌محور خط‌مشی‌ها جهت رسیدن به توسعه اجتماع‌محور بپردازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

خط‌مشی

فهم چپستی و جوهره خط‌مشی عمومی به سهولت تشخیص مصادیق آن نیست (اسمیت و لاریمر^۱، ۲۰۰۹). غایت خط‌مشی عمومی، به‌عنوان ابزار حکمرانی دولت‌ها، رفع مسائل و حوائج عامه و تحقق منفعت عمومی است (گرچی‌پور و اصغری، ۱۳۹۸؛ دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶؛ هاوالت و موخرچی^۲، ۲۰۱۷؛ شرقی و همکاران، ۱۳۹۸). با وجود سال‌ها بررسی‌های علمی و دانشگاهی در رابطه با خط‌مشی عمومی و مفاهیم آن، تاکنون تعریف کاملی که به توافق پژوهشگران علوم خط‌مشی رسیده باشد، ارائه نگردیده است (زیتون^۳، ۲۰۱۴). تأمل برانگیز است که عبارت خط‌مشی عمومی، نه تنها در کلام اتخاذکنندگان خط‌مشی (معمولاً دولت‌ها و دولت‌مردان) رواج دارد، بلکه حتی بین اعضای جامعه علمی نیز با تسامح معنایی بسیار، استفاده می‌شود (موران و همکاران^۴، ۲۰۰۶). کوشش‌های دانشگاهی متعدد و در عین حال، موفقیت‌های کم پژوهشگران خط‌مشی در ارائه تعریف توافقی شده از این مفهوم، موجب شده است که اسمیت و لاریمر^۵ (۲۰۰۹) با بیان کنایه‌آمیزی، کوشش برای تعریف خط‌مشی عمومی را به نوعی صنعت دانشگاهی تشبیه کنند، که پژوهشگران بسیاری به آن پرداخته‌اند؛ ولی به علت پیچیدگی این صنعت، موفق نشده‌اند سودی را که انتظار داشتند، کسب کنند؛ اما در رشته‌های علوم اجتماعی، وضع از این هم بغرنج‌تر است؛ به طوری که حتی در خصوص ترجمه عبارت Public Policy نیز اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از صاحب‌نظران آن را خط‌مشی عمومی ترجمه کرده‌اند و برخی سیاست عمومی. با این حال، واضح است که فهم جوهره خط‌مشی عمومی، مقدمه اجتناب‌ناپذیری برای ورود به بحث علوم گوناگون

1. Smith & Larimer
 2. Howlett & Mukherjee
 1. Zittoun
 4. Moran et al.
 5. Smith & Larimer

خط‌مشی همچون فرایند خط‌مشی، تحلیل خط‌مشی و ارزشیابی خط‌مشی عمومی است. به بیان دیگر، در صورت عدم تعریف و تبیین چستی خط‌مشی عمومی نه تنها بحث از علوم گوناگون خط-مشی بر پایه‌ای سست قرار می‌گیرد، بلکه تمایز ابژه در دست مطالعه علوم خط‌مشی از آنچه در رشته‌هایی همچون علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی و اداره امور عمومی مطالعه شده، ممکن نمی‌شود (اسمیت و لاریمر، ۲۰۰۹)، و این امر می‌تواند تا زیر سؤال رفتن هویت علمی علوم خط‌مشی پیش برود. اگر حتی تبعات موجود نبودن تعریف توافق‌شده‌ای برای ابژه اصلی علوم خط‌مشی این قدر هم حاد نباشد، باز هم ضروری است که پژوهشگر خط‌مشی عمومی تکلیف خود را با تعریف این مفهوم کلیدی معلوم کند (کی^۱، ۲۰۰۶).

اجرای پایین به بالای خط‌مشی

مدل پایین به بالا در واکنش به مدل بالا به پایین در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ مطرح شد. یکی از عقاید مرسوم به برنامه‌ریزی خردگرا وجود تفاوت آشکار بین عقاید شهروندان و دانش برنامه‌ریزان است (اینس و بوهر^۲، ۲۰۰۰). تصمیم‌سازان دموکراتیک از منظر نظریه برنامه‌ریزی خردگرا مشروعیت خود را بر مبنای تصمیم اکثریت یا فرایند رأی‌گیری کسب نموده‌اند. این نظریه بر این باور است که خط‌مشی‌سازی و تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی روی هم رفته در مسیر خطی، مستقیم و گام به گام به سوی نقطه پایانی پیش می‌رود؛ اما این نگرش، جبرگرایانه‌تر از آن است که بتواند برای نظریه‌های مربوط به واقعیت برنامه‌ریزی عملی داشته باشد، بدون آنکه شکاف بزرگی بر جای بگذارد (هیندس^۳، ۱۹۹۷)؛ لذا با انتقادات وارده به پارادایم خردگرایی زمینه برای ظهور مدل پایین به بالا آماده شد (هیلیر^۴، ۲۰۰۳). در این مدل بازیگر اداری، فردی تابع و فرمانبردار نیست، بلکه در طراحی اهداف و خط‌مشی‌ها نقش فعال دارد. طرفداران مدل پایین به بالا این ایده را رد می‌کنند که خط‌مشی‌ها در مرکز تعریف می‌شوند و مجریان باید این اهداف را دنبال کنند، بلکه معتقدند که بوروکرات‌های محلی از خط‌مشی‌گذاران مرکزی به مشکلات واقعی نزدیک‌تر هستند و قدرت تشخیص دارند. در این مدل، بوروکرات‌های محلی بازیگران اصلی اجرای خط‌مشی‌ها هستند

1. Kay
2. Innes & Booher
3. Hindess
4. Hillier

(برمن^۱، ۱۹۷۸). لپسکی^۲ (۱۹۷۱) کارکنان بخش خدمات عمومی را بوروکرات‌های محلی نام‌گذاری نمود و رفتار ایشان را مورد بررسی قرار داد. وی استدلال نمود بوروکرات‌های سطح پایین دارای استقلال زیادی هستند. اهمیت کار لپسکی دفاع از راهبردهای روش‌شناختی متمرکز بر بازیگران سطح پایین و نشان‌دادن ناکامی دستورات سلسله‌مراتبی پایین به بالا جهت اجرای درست خطمشی- هاست. جانسون اوکانر^۳ سه دلیل عمده را برای شکست مجموعه‌های برنامه‌ریزی در بوروکراسی- های عمومی و همچنین برای مجریان و قانون‌گذاران رده بالاتر در اجرای خطمشی، مطرح می‌کنند: ۱. فقدان درک و شناخت از اهداف، ۲. فقدان منابع یا قابلیت، ۳. عدم توافق در مورد اهداف. در مدل پایین- بالا فرایند اجرا یک فرایند سیاسی است. بوروکرات‌ها ممکن است به دلایل سیاسی (آکینیب^۴، ۲۰۱۸)، به‌ویژه منافع و ترجیحات شخصی (برادلی و همکاران^۵، ۲۰۱۷) باعث اخلال در اجرای یک خطمشی شوند. منظور از سیاست، فعالیت‌های مربوط به تأثیرگذاری بر فعالیت‌ها و خطمشی‌های یک حکومت است، به‌ویژه فعالیت‌هایی که مطابق با عقاید شخصی در مورد آنچه باید توسط حکومت انجام شود، است (آکینیب، ۲۰۱۸). سیاسی بودن فرایند اجرا بدین معناست که بوروکرات‌ها از طریق ترجمه دستورات قانون‌گذاران به خطمشی‌های ملموس و واقعی در فرایند اجرا، خطمشی را خلق می‌کنند. آن‌ها با این کار در تعیین مسأله اصلی سیاست، یعنی چه کسی، کی و چطور چه چیزی را کسب می‌کند، مشارکت می‌کنند (برادلی و همکاران، ۲۰۱۷) و به جای اینکه بی‌طرف باشند و به شایستگی و کارایی فکر کنند، وارد قلمرو منافع، ارزش‌ها، تضادها و سازش‌ها می‌شوند (آکینیب، ۲۰۱۸). بوروکرات‌ها، بازی‌های سیاسی سطح بالایی را انجام می‌دهند و اغلب این بازی‌ها را خوب انجام می‌دهند (فردریکسون^۶، ۲۰۱۰). هالپرین^۷ برای تبیین نقش بوروکرات‌ها در خطمشی، از مدل سیاست بوروکراتیک استفاده و تأکید کرد که با تمرکز بر سیاست بوروکراتیک که بر ارزش‌های فردی و کشمکش بازیگران کلیدی خطمشی تأکید دارد، می‌توان فهمید چه کسی

1. Berman

2. Lipsky

3. Johnson O'Connor

4. Ikeanyibe

5. Bradley et al.

8. Frederickson

7. Halprin

برنده می‌شود و چرا (باورن وادانا و پوچارون^۱، ۲۰۱۰)؟ ریشه‌های نظریه پایین به بالا با سه پدیده مرتبط است. اول، نظریه ارتباطی جامعه مطرح‌شده توسط هابرماس؛ دوم، شکست‌های برنامه‌ریزی بالا به پایین در رسیدن به توسعه (تامسون^۲، ۱۹۹۵؛ لی و چایودهری^۳، ۱۹۸۳)؛ و سوم، تحولات جهانی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان (رکن‌الدین افتخاری و بهزاد نسب، ۱۳۸۳).

نظریات اجتماعی حامی مشارکت اجتماعی و توسعه اجتماع محور

در یک دسته‌بندی کلی سه دسته نظریات در تبیین نقش مشارکت اجتماعی در توسعه اجتماع محور وجود دارد، که در ادامه به شرح هر یک پرداخته شده است. دسته اول نظریات کلاسیک می‌باشد، که در آن نظریه‌پردازانی همچون الکسی توکویل و امیل دورکیم^۴ وجود دارند. تأکید توکویل توکویل بر یک فضای زندگی انجمنی در جامعه بود. این انجمن‌ها به‌عنوان چشم جامعه عمل می‌کنند و منجر به مشارکت در ابعاد وسیع‌تری از جامعه و بیداری آن می‌شوند. دورکیم تشکل‌های صنفی و انجمن‌ها را امری مهم می‌داند و آن را به‌عنوان راهبردی برای درمان مشکلات جامعه خطاب می‌کند. او می‌گوید یک دولت بزرگ موجودی وحشتناک است؛ زیرا اجتماع پیچیده‌تر از آن است که دولت بتواند بیانگر آن باشد. دولت از افراد، فاصله دارد و روابطش با اجتماع همیشگی نیست. بنابراین دولت قادر نیست که به درستی در وجدان‌های فردی نفوذ کند و افراد را باطناً اجتماعی نماید. در دسته دوم نظریاتی جدید را شاهد هستیم که بر پایه نظریات نظریه‌پردازانی چون آلن تورن^۵، آنتونی گیدنز و یورگن هابرماس شکل گرفته است. از نظر گیدنز، جنبش‌های اجتماعی جدید، واکنشی در برابر احساس ناامنی ناشی از مخاطرات دنیای مدرن هستند. در مقابل این محیط مخاطره‌آمیز، عواملی نیز محیط اعتماد را فراهم می‌کنند؛ از جمله این عوامل محیط خویشاوندی و اجتماع محلی است. حوزه عمومی، آن‌گونه که هابرماس آن را مفصل‌بندی کرده، فضایی گفتمانی است که اعضای یک اجتماع می‌توانند در آن مسائل مهم روز را به شیوه‌ای عقلانی و با دلیل و منطق به بحث بگذارند. این حوزه فضایی عقلانی، داوطلبانه و باز است که تحت کنترل یا نظارت

1. Bowornwathana & Poocharoen

2. Thompson

3. Lea & Chaudhri

4. Alexis de Tocqueville & Émile Durkheim

5. Alan Thorne

هیچ نهاد یا سازمان دولتی، حکومتی، تجاری، اقتصادی، نظامی و غیره قرار ندارد و افراد در آن از موقعیتی برابر، بدون ترس و وا همه و بی‌آنکه منافع شخصی یا گروهی آن‌ها در نظراتشان دخیل باشد، با هدف رسیدن به مفاهمه از طریق استدلال‌های منطقی و گفت‌وگوهای مبتنی بر خرد، دست به کنش ارتباطی می‌زنند (واتیکیوتیز و یوروک^۱، ۲۰۱۶؛ رید و بوید^۲، ۲۰۱۶). دسته سوم دربردارنده نظریات سرمایه اجتماعی و مشارکت است، که جزء مهم‌ترین نظریات در تبیین رویکرد اجتماع‌محور و علل اهمیت و گرایش به آن‌ها به‌شمار می‌رود و توسط نظریه‌پردازانی همچون جیمز کلنن، رابرت پانتام^۳ و فرانسیس فوکویاما^۴ مطرح گردیده است. در این دسته، سازمان‌های داوطلبانه شکلی از سرمایه اجتماعی است که فعالیت‌های اعتراض‌آمیز را امکان‌پذیر می‌سازد، شکل نیرومندی از سرمایه اجتماعی برای افراد است که عضو سازمان می‌باشند و دستیابی به هدف‌هایی را که در نبود آن نمی‌توانستند به‌دست آیند و یا با هزینه زیادی به‌دست می‌آیند را تسهیل می‌کند. پاتنهام شکل-گیری سرمایه اجتماعی و کسب مهارت‌های مدنی را حاصل مشارکت فعال در سازمان‌های مردمی می‌داند، جایی که دوستان و آشنایان جزئی از همان شبکه اجتماعی هستند (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۹).

دانش‌فرد و کیانی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی تعاریف خط‌مشی، مشارکت عمومی و مزایا و معایب مشارکت پرداختند. بررسی‌های ایشان نشان داد که با وجود اینکه مشارکت اجتماعی در خط-مشی‌گذاری عمومی مؤثر است؛ لیکن نحوه انجام مشارکت می‌بایست با مقتضیات اجتماعی و فرهنگی هر مکان هماهنگ باشد. دژمار و همکاران (۱۳۹۱) نیز به بررسی استفاده از برنامه‌های اجتماع‌محور در حوزه سلامت در ایران پرداختند. ایشان از اجتماع فعال در حوزه سلامت سؤال نمودند که به نظرشان نقاط قوت و ضعف برنامه‌های اجتماع‌محور در حوزه سلامت شامل چه مواردی می‌باشد. نقاط قوت بیان‌شده شامل داشتن روحیه همدلی و انگیزه بالای افراد داوطلب، کمک‌های مردمی، جمعیت زنان داوطلب و بهره‌گیری از مشارکت بالای ایشان و درنهایت، تدوین و اجرای برنامه توانمندسازی جامعه بود. همچنین نقاط ضعف نیز شامل عدم مشارکت اجتماع در خط‌مشی-

1. Vatikiotis & Yörük

2. Reed & Boyd

3. Robert Putnam

4. Francis Fukuyama

گذاری در سطح کلان، فعال نبودن مردان در مداخلات اجتماع محور و ضعیف بودن کار گروهی ایشان و به‌روزرسانی نکردن مناسب برنامه‌های آموزشی بود. همچنین شماعی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی نقش مشارکت مردمی از طریق دفاتر تسهیل‌گری جهت نوسازی بافت فرسوده شهری پرداختند. آن‌ها بیان داشتند که نوسازی بافت فرسوده تنها یک عمل فنی نیست و زمانی به موفقیت ختم می‌شود که با مشارکت اجتماعی همراه باشد. ایشان ذکر کردند در زمینه نوسازی بافت فرسوده شهری دفاتر تسهیل‌گری نقشی اساسی پیدا می‌کنند و باید به‌صورت مداوم و مستمر در قالب مدیریت یکپارچه شهری به‌کار گرفته شوند. نتایج پژوهش نشان داد، به‌کارگیری دفاتر تسهیل‌گری جهت نوسازی محله مورد نظر نقشی اساسی داشته است. این دفاتر نماد مشارکت اجتماعی در بازسازی بافت‌های فرسوده شهری و مشارکت نخبگان در مدیریت محلی است. در میان تحقیقات خارجی هم، مایوآ و انگیوگی^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی که با عنوان «عوامل مؤثر بر اجرای طرح‌های سازمان‌های اجتماع محور» در کنیا انجام دادند؛ به این نتیجه رسیدند که شیوه مدیریت مالی، نظارت، مشارکت اجتماعی و مدیریت طرح‌های اجتماع محور تأثیر معنادار بر اجرای طرح‌های سازمان‌های اجتماع محور دارد.

روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر اکتشافی است. از سوی دیگر، پارادایم حاکم بر این پژوهش، تفسیری است؛ زیرا سه رکن هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی پژوهش با پارادایم تفسیری همخوانی دارد. بدین ترتیب که در تدوین الگوی پژوهش از آنجا که پژوهشگر در جهت توصیف و تفهیم پدیده مورد نظر فعالانه اقدام می‌نماید، هستی‌شناسی پژوهش نام‌انگاری است. همچنین، شناخت‌شناسی تحقیق حاضر هم‌راستا با پارادایم تفسیری است و بر ذهنی‌گرایی و تعاملی بودن متمرکز می‌باشد. در این پارادایم، شناخت به‌واسطه رابطه میان محقق و موضوع تحقیق حاصل می‌شود. در تحلیل مضمون نیز بر این موضوع تأکید می‌شود و محقق به تعامل با موضوع تحقیق می‌پردازد. درنهایت، از نظر روش‌شناسی پژوهش کیفی است؛ زیرا با مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه عوامل استخراج شده‌اند. رویکرد این پژوهش بر پایه رویکرد استقرایی بنا نهاده شده است؛ زیرا هیچ ذهنیتی در ابتدا

1. Mwaua & Ngugi

برای محقق وجود نداشت و الگوی پژوهش از دل داده‌های گردآوری شده، به‌دست آمده است. استراتژی تحلیلی مضمون است که برای انجام آن از تکنیک کدگذاری و نرم افزار NVivo12 استفاده شده است. درنهایت نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه برای شناسایی عوامل مؤثر بر اجرای اجتماع‌محور خط‌مشی‌ها استفاده گردید. جامعه پژوهش حاضر را خبرگان حوزه خط‌مشی-گذاری که با رویکرد اجتماع‌محوری نیز آشنا بودند، تشکیل دادند، که با کمک روش نمونه‌گیری هدفمند (گلوله برفی) ۲۴ نفر به‌عنوان اعضای نمونه انتخاب شدند. درنهایت نیز در این پژوهش از اعتمادپذیری به‌عنوان شاخص کیفیت تحقیق استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، ابتدا متون حاصل از مصاحبه و ادبیات مورد بررسی قرار گرفت، که حاصل کار کدگذاری توصیفی این مرحله، ۷۶ کد توصیفی بود. در گام دوم، کدهای توصیفی تفسیری و کدگذاری تفسیری صورت پذیرفت. نتایج حاصل از این مرحله نیز شامل ۱۷ کد تفسیری ویژگی‌های خط‌مشی، شرایط فیزیکی-مالی اجتماع، سرمایه اجتماعی-انسانی اجتماع، فضای ذهنی-ارزشی، بسترهای قانونی-سیاسی، تدوین برنامه راهبردهای مناسب، حمایت‌یابی رسانه‌ای، ارتقای ظرفیت‌های مشارکتی، گفتمان‌سازی، تشکیل و سازماندهی سازمان‌های اجتماع‌محور، عملکرد مؤثر تسهیل‌گران، مسئولیت‌پذیری اجتماعی بخش خصوصی، اقتدارافزایی بخش غیردولتی، کنش‌های حمایتی-عاطفی اجتماع، کنش‌های حمایتی-ابزاری اجتماع، کنش‌های حمایتی، اطلاعاتی اجتماع، و درنهایت کنش‌های حمایتی-بازخوردی بود. در گام آخر نیز کدهای تفسیری دسته‌بندی و کدهای سازمان‌یافته حاصل شد، که نتایج حاصل از این مرحله شامل سه کد پیشران‌های اجتماع‌محور اجرای خط‌مشی، ظرفیت‌سازهای اجرای اجتماع‌محور خط‌مشی، و توانمندسازهای اجرای اجتماع‌محور خط‌مشی بود، که نتایج آن در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج تحلیل مضمون

توصیفی	تفسیری	فراگیر
شفافیت خط‌مشی‌ها	ویژگی‌های خط‌مشی‌ها	پیشران‌های اجرای اجتماع محور خط‌مشی
علمی بودن خط‌مشی‌ها		
هدفمندی خط‌مشی‌ها		
انعطاف‌پذیری خط‌مشی‌ها		
وجود فرصت‌های اقتصادی	شرایط فیزیکی - مالی اجتماع	
درآمد کافی		
موقعیت جغرافیایی و مکانی مناسب جهت مشارکت		
وجود تسهیلات و امکانات زیرساختی		
روحیه کار گروهی	سرمایه اجتماعی - انسانی اجتماع	
وفاق اجتماعی		
داشتن منافع مشترک		
اعتماد اجتماع به ارگان‌های فعال در اداره امور		
اعتماد بین فردی جهت مبارزه با مواد مخدر	فضای ذهنی - ارزشی	
همکاری اعضای اجتماع با نهادهای مدنی فعال		
پایبندی به ارزش‌های دینی در امر مشارکت		
نگرش منفی نسبت رویکردهای بالا به پایین		
نگرش مثبت به مشارکت در اداره امور عمومی		
اعتقاد به داشتن حق انتخاب و تصمیم‌گیری در اجتماع		
احساس مسئولیت اجتماعی		
اعتقاد به کارایی و اثربخشی مشارکت	پیشران‌های اجرای اجتماع محور خط‌مشی	
نگرش مثبت خانواده‌ها به مشارکت		
سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مؤثر به منظور اجتماعی شدن		
اجرای سیاست در سطح بین‌المللی		
سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مؤثر به منظور اجتماعی شدن اجرا	بسترهای قانونی - سیاسی	
حمایت نخبگان، احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ از		
فعال‌سازی اجتماع		
تقسیم کار ملی در راستای کاربست سیاست‌های اجرای		

اجتماع محور		
-------------	--	--

ادامه جدول ۱. نتایج تحلیل مضمون

توصیفی	تفسیری	فراگیر
تدوین چشم انداز مناسب	تدوین برنامه راهبردی مناسب	ظرفیت‌سازهای اجرای اجتماع محور خطامشی
تدوین بیانیه مأموریت مناسب		
تدوین برنامه‌های عملیاتی مناسب		
توسعه شبکه‌های مجازی	حمایت‌یابی رسانه‌ای	
توسعه گروه‌های مرجع رسانه‌ای		
افزایش آگاهی‌های و آموزش عمومی در زمینه مسائل توسط رسانه		
افزایش آگاهی‌های عمومی در زمینه توسعه اجتماع محور توسط رسانه		
تبلیغ و تشویق اجتماع محور توسط رسانه	ارتقاء ظرفیت‌های مشارکتی اجتماع	
تعامل مؤثر با بخش‌های مختلف جامعه به منظور حمایت-یابی ظرفیت‌های اجتماع		
توسعه ساختارهای مشارکتی اجتماع محور در میان اجتماعات مختلف		
بهره‌گیری از ظرفیت‌های وقف، انفاق و نذورات مردمی در برنامه‌های اجتماع محور		
جلب مشارکت خبرگان اجتماعی	گفتمان‌سازی	
تولید آثار علمی، فرهنگی، هنری و رسانه‌ای		
برگزاری رویدادهای علمی، فرهنگی، هنری و رسانه‌ای		
تسهیل جریان آزاد داده و اطلاعات	تشکیل و سازمان‌دهی سازمان‌های اجتماع محور	
عضوگیری از اجتماع جهت تشکیل سازمان اجتماع محور		
استفاده از مهارت‌های مکمل در تشکیل سازمان‌های اجتماع محور		
شکل‌دهی به ارزش‌های مشترک در میان اعضای سازمان‌های اجتماع محور		
متعهد ساختن اعضای سازمان اجتماع محور		

ایجاد هدف بلندمدت مشترک میان اعضای سازمان اجتماع محور		
تقسیم وظایف میان اعضا در سازمان‌های اجتماع محور		

ادامه جدول ۱. نتایج تحلیل مضمون

توصیفی	تفسیری	فراگیر
جلب مشارکت فعال افراد و گروه‌ها توسط تسهیل‌گران	عملکرد مؤثر تسهیل‌گران	توانمندسازهای اجرای اجتماع محور خط‌مشی
تسهیل فضای گفت‌وگو میان افراد جهت حل مسائل اجتماع توسط تسهیل‌گران		
ایجاد هماهنگی و ارتباط با ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران توسط تسهیل‌گران		
وظیفه‌شناسی بخش خصوصی	مسئولیت‌پذیری اجتماعی بخش خصوصی	
احساس تعهد بخش خصوصی نسبت به اجتماع		
توجه به موضوع مبارزه با مواد مخدر در اسناد بالا دستی		
همکاری بخش خصوصی		
سخت‌کوشی و جدیت بخش خصوصی	اقتدارافزایی بخش غیردولتی	
تفویض وظیفه شناسایی مشکلات و تعیین راه‌حل‌های مشکلات مواد مخدر		
تفویض وظیفه سازماندهی و بسیج منابع به بخش غیردولتی		
تفویض وظیفه ارزیابی مداخلات اجتماع محور		
خوش‌بینی و اعتماد به نقش بخش غیردولتی		
ظرفیت‌سازی جهت تبلیغ و آگاهی‌رسانی از فعالیت سازمان‌های اجتماع محور	کنش‌های حمایتی - عاطفی اجتماع	
ایجاد خوش‌بینی توسط اجتماع		
القای خودکارآمدی توسط اجتماع		
امیدبخشی توسط اجتماع برای موفقیت در اجرای مداخلات		

ادامه جدول ۱. نتایج تحلیل مضمون

توصیفی	تفسیری	فراگیر
کمک‌های مالی اجتماع به مداخلات	کنش‌های حمایتی - ابزاری اجتماع	توانمندسازهای اجرای اجتماع‌محور خط‌مشی
همکاری افراد به جمع‌آوری کمک‌های مالی از درون اجتماع		
همکاری افراد به جمع‌آوری کمک‌های مالی از منابع بیرونی اجتماع		
تهیه تجهیزات مورد نیاز جهت انجام مداخلات توسط اجتماع		
ارائه خدمات تخصصی توسط اجتماع جهت انجام مداخلات اجتماع‌محور		
مشارکت افراد در اولویت‌بندی مسائل	کنش‌های حمایتی - اطلاعاتی اجتماع	
مشارکت افراد در مسأله‌یابی		
مشارکت افراد در یافتن علل مسأله		
مشارکت افراد در یافتن پیامدهای مسأله		
مشارکت افراد در یافتن گروه‌های مربوط به مسأله		
مشارکت افراد در تحلیل ظرفیت‌های اجتماع جهت حل مسأله	کنش‌های حمایتی - بازخوردی	
دادن بازخوردهای مناسب و جامع از مداخلات اجتماع‌محور		
ارائه بازخورد به موقع از مداخلات اجتماع‌محور		
رعایت اصول اخلاقی در ارائه بازخورد در زمینه مداخلات صورت‌گرفته		

بحث و نتیجه‌گیری

در باب جریان‌شناسی خطمشی‌گذاری می‌توان به سه دوره مهم اشاره کرد. در دهه ۱۹۶۰ میلادی دو رویکرد در سیاست‌گذاری مطرح شد: تحلیل خطمشی و تحلیل فرایند خطمشی. در دهه ۱۹۷۰ میلادی موضوع شکست در اجرای خطمشی‌ها مطرح شد. از این رو، موضوعات اجرای خط-مشی به‌عنوان زیرمجموعه تحلیل فرایند مورد توجه قرار گرفت و پرسش‌هایی از جمله دلیل سخت بودن فرایند اجرا چیست؟ کدام نوع اجرا مؤثرتر است؟ پایین به بالا یا بالا به پایین؟ به چه نحوی می‌توان اجرا را اثربخش نمود؟ مطرح گردید. هم‌راستا با اهمیت یافتن اجرا در دهه ۱۹۹۰ میلادی نظریه اجتماعات شکل گرفت و اجتماع‌گرایی به‌مثابه رویکردی نوین در خطمشی‌گذاری عمومی وارد شد. این رویکرد خواستار ارتقای نقش نهادهایی مانند خانواده، ارگان‌های داوطلب، مدارس، دانشگاه-ها و غیره در نظام خطمشی‌گذاری عمومی است. گفتنی است که نوع نگاه پژوهش حاضر به موضوع خطمشی‌گذاری نیز متوجه تحلیل فرایند (اجرایی خطمشی) با نگاهی اجتماع‌محور است، که بر این اساس نتایج نشان داد که اجرای اجتماع‌محور خطمشی عمومی را می‌توان در سه مرحله پیش‌ران‌های اجرای اجتماع‌محور خطمشی، ظرفیت‌سازهای اجرای اجتماع‌محور خطمشی و توانمندسازی اجرای اجتماع‌محور پیاده‌سازی نمود. درنهایت نیز با توجه به نتایج پژوهش به‌دست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱. اتخاذ تدابیری برای حضور نمایندگان سازمان‌های اجتماع‌محور و مردم نهاد در مرحله تدوین خطمشی‌ها؛
۲. ارائه مسائل و مشکلات به اجتماع و دریافت نظرات آنان در رابطه با راه‌های پیشنهادی جهت رفع مسائل؛
۳. استفاده از متخصصان آینده‌پژوهی در مرحله تدوین سیاست‌ها؛
۴. آموزش مفاهیم توسعه اجتماع‌محور از طریق تابلوهای دیجیتالی معابر شهری؛
۵. ایجاد سازو کارهایی به‌منظور ترجمه پیامدهای توسعه اجتماع‌محور؛

۶. تهیه و تدارک منابع علمی با محوریت توسعه اجتماع محور.

منابع

- بابایی، جابر؛ صفایی آتشگاه، حامد (۱۳۹۳). جایگاه قانونی مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری از جرم در ایران. *هنرهای زیبا*، ۱۰(۳۳)، ۸۱-۱۰۶.
- حاتمی، خدیجه؛ قاضی‌نژاد، مریم؛ باستانی، سوسن؛ راد، فیروز (۱۳۹۹). فراتحلیل پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه سازمان‌های مردم نهاد؛ با تأکید بر علل مشارکت افراد در این سازمان‌ها. *جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه*، ۹(۲)، ۲۳-۴۶.
- دانایی‌فرد، حسن؛ ولی اصل، جواد؛ حسینی، سید یعقوب (۱۳۹۶). واکاوی سازوکارهای دانشی بهبود کیفیت خطامشی‌های عمومی در ایران: پژوهش کیفی. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۳(۲)، ۲۹-۵۶.
- دانش‌فرد، کرم‌الله؛ مجتبی، کیانی (۱۳۸۹). مشارکت شهروندان در خطامشی‌گذاری عمومی. *مدیریت دولتی*، ۱(۳)، ۱۴۲-۱۶۰.
- دژمار، معصومه؛ فروزان، آمنه؛ برادران افتخاری، منیر؛ ملک افضل، حسین؛ جلالی‌نیا؛ شیرین، فلاح، کتابون؛ وامقی، مروثه؛ میرابزاده، آرش (۱۳۹۱). برنامه‌های اجتماع‌محور مشارکتی مرتبط با سلامت در جمهوری اسلامی ایران. *حکیم*، ۱۵(۳)، ۱۸۵-۱۹۱.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ بهزاد نسب، جانعلی (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی ارتباطی، رویکردی انتقادی به نظریه برنامه‌ریزی. *مدرس علوم انسانی*، ۸(۱)، ۱-۲۲.
- شرقی، شهین؛ منظری، علیرضا؛ سلاجقه، سنجر؛ امیرزاده، وحید (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین عوامل مرتبط با میزان اجرای خطامشی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با توجه به نقش میانجی مسئولیت‌پذیری اجتماعی. *علوم اجتماعی دانشگاه آزاد*، ۱۳(۴۴)، ۱۷۹-۲۰۴.
- شماعی، علی (۱۳۹۴). راهبردهای توسعه محله‌ای با رویکرد مشارکتی از طریق دفاتر تسهیلگری. *توسعه محلی روستایی - شهری*، ۷(۱)، ۱۰۳-۱۲۸.

- صفیان، مهدی؛ فرهی، علی؛ حاجی ملامیرزایی، حمید؛ موسوی، سید علی (۱۳۹۸). الگویی برای خط‌مشی‌گذاری سرمایه انسانی. *پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی*، ۱۱(۱)، ۷۵-۱۰۰.
- قربانی‌زاده، ابراهیم؛ اکبری، کریم؛ محمدی، میرصادق؛ حسینی، بهرام (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه تطبیقی قانون مبارزه با مواد مخدر، پیش‌سازها و روان‌گردان‌ها در ج.ا. ایران با برخی کشورهای همسایه. *مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۶(۲۶)، ۹-۳۷.
- گرچی‌پور، حسین؛ اصغری، علی (۱۳۹۸). طراحی سنجه اندازه‌گیری کیفیت در فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۲(۳)، ۷۸-۱۱۱.
- محمدی، مهتاب؛ الوانی، سید مهدی؛ معمارزاده، غلامرضا؛ قاسم انصاری رنانی، طهران (۱۳۹۶). طراحی مدل سه بعدی اجرای حاکمیتی خط‌مشی‌های عمومی. *فصلنامه رسالت مدیریت دولتی*، ۸(۲۶)، ۱-۱۶.
- منوربان، عباس (۱۳۹۴). مدل اجرای خط‌مشی‌های اصلاح اداری با رویکرد یادگیری. *مدیریت دولتی*، ۷(۴)، ۸۳۹-۸۶۴.
- یوسفی سادات، محرم (۱۳۸۳). *الگوی توانمندسازی اجتماع‌محور در مسیر توسعه محلی و کاهش فقر قابلیت‌ها*. تهران: وزارت بهداشت.

References

- Berman, P. (2009). The Study of Macro-and Micro- Implementation. *Public Policy*, 26(2), 157-180.
- Bowornwathana, B., & Ora-orn, P. (2010). Bureaucratic Politics and Administrative Reform: Why Politics Matters. *Public Organization Review*, 10, 303-321.
- Bradley, F.; William, D., & Schreckhise. D. E. CH. (2017). Explaining States' Responses to the REAL ID Act the Role of Resources, Political Environment, and Implementor Attitudes in Complying with a Federal Mandate. *Journal of the Knowledge Economy*, 8, 877-897.
- Dye, T. R. (2013). *Understanding public policy*. Boston: Prentice Hall
- Frederickson, H., George, K. B., Smith, C.W. L., & Michael J. L. (2012). *The Public Administration Theory Primer*. Boulder: Westview Press.
- Hillier, J. (2003). Agon'izing Over Consensus: Why Habermasian Ideals cannot be 'Real'. *Planning Theory Journal*, 2(1), 37-59
- Hindess, B. (1997). Democracy and Disenchantment. *Australian Journal of Political Science*, 32(1), 79-92,
- Howlett, M., & Mukherjee, I. (2017). *Policy formulation: where knowledge meets power in the policy process*. In Handbook of policy formulation. Edward Elgar Publishing,

- Howlett, M. & Rayner, J. (2006). Understanding the Historical Turn in the Policy Sciences: Critique of Stochastic, Narrative, Path Dependency and Process-Sequencing Models of Policy-Making over Time. *Policy Sciences*, 39(1), 1-18.
- Ikeanyibe, O. M. (2018). Bureaucratic Politics and the Implementation of Liberalization Reforms in Nigeria: A Study of the Unbundling and Reorganization of the Nigerian National Petroleum Corporation. *Politics and Policy*, 46, 263-29.
- Innes, J., & Booher, D. (2004). Reframing Public Participation: Strategies for the 21st Century. *Planning Theory and Practice*, 5(4), 419-436.
- Kay, A. (2006). The dynamics of public policy: theory and evidence. Northampton, MA: Edward Elgar (New horizons in public policy series).
- Kolthoff, (2007). The Ethics of New Public Management. *Public Administration Quarterly*, 30(4), 399-439.
- Kooiman, 2003. *Governing as Governance*. London, Sage Publication
- Lea, D. A. & Chaudhri, D. P. (1983). The nature, problems and approaches to rural development. In D.A. Lea and D. P. Chaudhri (eds.), *Rural Development and the State*. (pp. 1-25), Cambridge: Cambridge University Press.
- Moran, M.; Rein, M. & Goodin, R. E. (2006). *The Oxford handbook of public policy*. Oxford, New York: Oxford University Press. New York: Martin's Press.
- Mwaua, M., & Ngugi, K. (2014). Factors Affecting performance of Community Based Organizations Projects Kisii County Kenya. *International Journal of Social Science Management and Entrepreneurship*, 1(2), 51-67.

- Pollitt, C. (2000). *Managerialism and the public services* (2nd edition), Oxford, Basil Blackwell
- Reed, L., & Boyd, D. (2016). Who Controls the Public Sphere in an Era of Algorithms? Questions and Assumptions.
- Smith, B. K., & Larimer, W. C., (2009). *The Public Policy Theory Primer*, Boulder: Westview Press
- Thompson, J. (1995). Participatory approach in government bureaucracies: facilitating the process of institutional change. *World Development*, 23, 1521-1554.
- Vatikiotis, P. & Yörük, Z. F. (2016). Gezi Movement and the Networked Public Sphere: A Comparative Analysis in Global Context. *Social Media and Society*, 2(3), 1-12.
- Zittoun, PH. (2014). *The political process of policymaking: A pragmatic approach to public policy*. Basingstoke: Palgrave Macmillan (Studies in the political economy of public policy).